

استعاره‌های علم

در گفتمان‌های سیاسی معاصر ایران



استعاره‌های علم

در گفتمان‌های سیاسی معاصر ایران

فهیمة فرازمند



سرشناسه: فرازند، فهیمه، ۱۳۶۳-

عنوان و نام پدیدآور:

استعاره‌های علم در گفتمان‌های سیاسی معاصر ایران/ فهیمه فرازند.

مشخصات نشر: تهران، لوگوس، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۲۲۰ص، ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۱۳-۳۱-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع:

گفتمان -- ایران -- جنبه‌های سیاسی

استعاره -- جنبه‌های سیاسی

معانی و بیان -- جنبه‌های سیاسی

دانش و دانش‌اندوزی -- ایران

رؤسای جمهور -- ایران -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

رده‌بندی کنگره: DSR1570

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۵۷۶۴۳۹

استعاره‌های علم در گفتمان‌های سیاسی معاصر ایران

فهیمه فرازند

طراح جلد: سید مهدی حسینی		ویراستار: سید علی اصغر سلطانی
شمارگان: ۳۰۰	شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۱۳-۳۱-۷	چاپ اول: ۱۴۰۳



برای اطلاعات بیشتر کد فوق را اسکن کنید و به وبسایت نشر لوگوس بروید.

قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴ ۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

با کمال افتخار و امتنان، ما حاصل این تلاش را تقدیم می‌کنم
به محضر ارزشمند تمام خوبان خیرخواه و نیک‌اندیش.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۱۹.....	بخش اول: ملاحظات نظری
۲۱.....	۱. علم و آموزش عالی در ایران
۲۱.....	مقدمه
۲۱.....	چیستی علم
۲۴.....	نظام آموزش عالی و شیوه تولید علم
۳۶.....	آزادی علمی
۴۴.....	جامعه‌شناسی علم
۵۳.....	ارتباط استعاره و علم
۶۴.....	نتیجه‌گیری
۶۵.....	۲. روش‌شناسی
۶۵.....	مقدمه
۶۷.....	نظریه لیکاف و جانسون
۷۰.....	مبنای تجربی استعاره‌های مفهومی
۷۱.....	انواع استعاره مفهومی
۸۱.....	روش تحقیق
۸۴.....	استعاره و معنای پنهان
۸۶.....	استعاره و ارزش‌گذاری
۸۸.....	معیار تشخیص استعاره
۹۱.....	الگوی شناختی سلسله‌مراتبی
۹۲.....	مراحل تحلیل استعاره
۹۵.....	سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی استعاره‌ها

۹۷	روایی و پایایی ابزار سنجش
۹۹	نتیجه‌گیری
۱۰۱	بخش دوم: استعاره‌های علم در گفتمان سیاسی معاصر ایران
۱۰۳	۳. توصیف استعاره‌های علم
۱۰۳	مقدمه
۱۰۴	توصیف داده‌ها در سخنرانی‌های سید محمد خاتمی
۱۰۷	توصیف داده‌ها در سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد
۱۱۰	توصیف داده‌ها در سخنرانی‌های حسن روحانی
۱۱۳	نتیجه‌گیری
۱۱۵	۴. تفسیر استعاره‌های علم
۱۱۵	مقدمه
۱۱۶	تفسیر داده‌ها در سخنرانی‌های سید محمد خاتمی
۱۱۷	تفسیر داده‌ها در سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد
۱۱۹	تفسیر داده‌ها در سخنرانی‌های حسن روحانی
۱۲۱	نتیجه‌گیری
۱۲۳	۵. تبیین استعاره‌های علم
۱۲۳	مقدمه
۱۲۴	تبیین داده‌ها در سخنرانی‌های سید محمد خاتمی
۱۳۹	تبیین داده‌ها در سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد
۱۵۰	تبیین داده‌ها در سخنرانی‌های حسن روحانی
۱۵۹	نتیجه‌گیری
۱۶۵	۶. بحث و نتیجه‌گیری
۱۶۵	مقدمه

۱۷۱.....	یافته‌های کلی
۱۷۳.....	پیامدهای پژوهش
۱۸۳.....	پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بیشتر
۱۸۷.....	فهرست منابع

مقدمه

موضوع کتاب حاضر، بررسی استعاره‌های مفهومی «علم»^۱، در گفتار رؤسای جمهور ایران در ادوار اصلاح طلبان، اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان، در چارچوب نظری لیکاف و جانسون^۲ و با رویکرد تحلیل انتقادی استعاره چارتریس بلک^۳ (۲۰۰۴) است. در حقیقت، این کتاب به دو حوزه علمی متفاوت ارتباط پیدا می‌کند؛ یک بُعد آن به «علم» که مربوط به حوزه آموزش است و بُعد دیگر آن، تحلیل گفتمان انتقادی استعاره با رویکرد شناختی-پیکره‌ای است که با زبان‌شناسی شناختی، ارتباط دارد.

در خصوص بُعد نخست، باید اشاره کرد که در فضای زندگی جهان امروزی؛ دیدگاه‌های گوناگون بشری، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه و زمینه‌های فرهنگی، همگی درهم‌تنیده شده‌اند تا منجر به پیدایش و ظهور چشم‌انداز

۱. لازم به ذکر است با توجه به اینکه در گفتار عمومی و گفتار رؤسای جمهور، تفاوت چندانی بین دو واژه علم و دانش مشاهده نشد؛ در سرتاسر کتاب، علم و دانش را به‌مثابه یک مفهوم واحد در نظر گرفتیم.

2. Lakoff G, Jonson M

3. Jonathan Charteris-Black

جهانی علم گردد. رشد و توسعه هر جامعه‌ای بدون توجه به «علم» و آموزش، امکان پذیر نخواهد بود و یقیناً بستر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، نقش اساسی و کلیدی را در این زمینه ایفا می‌کنند.

با شروع عصر رنسانس و پیشرفت‌های علمی و صنعتی در کشورهای غربی، در کشور ایران نیز عناصری از آموزش عالی مبتنی بر الگوی اروپای غربی ایجاد شد. چند سال پس از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ قمری دولت، وزارتخانه‌ای به نام وزارت علوم تأسیس کرد تا امور تعلیم و تربیت کشور در این وزارتخانه، برنامه‌ریزی و اداره شود. با تصویب قانون اجازه تأسیس دانشگاه در تهران در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی، دانشگاه تهران به عنوان مرکز ثقل آموزش عالی ایران شناخته شد. با تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی در بهمن‌ماه ۱۳۴۶ و متعاقب آن تشکیل «شورای مرکزی آموزش» در سال ۱۳۴۸، نخستین گام در جهت تمرکز، تجدید سازمان و اعمال یک نظارت مرکزی بر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برداشته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۹ لایحه قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی به تصویب شورای انقلاب رسید و به دنبال آن به منظور ایجاد تحولی اساسی در دانشگاه‌ها و به درخواست دانشجویان مسلمان و انقلابی ستادی با عنوان ستاد انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شد که این ستاد بزرگ‌ترین نقش را در سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی کشور به عهده گرفت. در مردادماه ۱۳۶۴ با تصویب قانون «تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» کلیه اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی در آموزش پزشکی به وزارتخانه جدید انتقال یافت. وزارت فرهنگ و آموزش عالی در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۳ به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام

داد و وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری به وظایف وزارتخانه مذکور افزوده شد.

در قرن ۲۱ با شتاب گرفتن روند جهانی شدن و ظهور اقتصاد دانش بنیان، همه کشورها برای یافتن استراتژی‌های مناسب و شیوه‌های ویژه برای حفظ خود در رقابت در حال رشد در اقتصاد جهانی می‌کوشند. در چنین شرایطی نهاد آموزش عالی به‌عنوان موتور پیشران، مسئولیت‌های خطیر و اهمیت دوچندان خواهد داشت؛ بنابراین، نهاد آموزش عالی برای ایفای نقش و مسئولیت‌های حیاتی خود نیازمند درپیش گرفتن استراتژی‌هایی در حوزه‌های آموزش و پژوهش خواهد بود.

از آنجاکه هر توسعه‌ای می‌تواند بدون توجه به استانداردها و زیرساخت‌های موجود در جامعه، آسیب‌زننده باشد؛ پرداختن به موضوع «علم»، در هر چارچوبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

شاید بتوان نظام آموزش عالی هر کشور را، از مهم‌ترین نهادهای آن به حساب آورد؛ زیرا در واقع کلیه نیروهای انسانی اداره‌کننده آن، خروجی‌های همان نظام آموزش عالی به شمار می‌آیند. از این رو، سیاست درست، سیاستی است که کمک می‌کند تا در حد امکان، نهاد آموزش عالی، مستقل باشد و بتواند نیروهای انسانی کارآمد، نوآور و تحلیل‌گری قوی را تربیت کند تا در شرایط عادی و بحرانی، راه‌گشای مشکلات کشور باشند. به‌طورکلی، ارزیابی آموخته‌ها در آموزش عالی از سابقه‌ای نسبتاً طولانی و به قدمت کوشش‌های دانشگاهی، در جهان برخوردار است، اما این نوع ارزیابی از سوی مدرسان و صرفاً به‌منظور اطمینان یافتن از یادگیری دانشجویان در هر درس و نیز گواهی کردن فرایند دانش‌آموختگی، انجام می‌شده است. به علت دگرگونی‌های ناشی از عواملی

مانند افزایش جمعیت دانشجویی، تحولات اجتماعی-اقتصادی و نیز فناوری‌های نوین، ارتقای مستمر کیفیت نظام‌های آموزش عالی و نیز پاسخگو کردن آن‌ها، در اغلب کشورهای جهان، از اولویت برخوردار شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر کشور دیگری، نیازمند بررسی، ارزیابی و بازنگری در عرصه‌های مختلف است و بی‌گمان یکی از مهم‌ترین بازنگری‌ها باید در نظام علمی صورت گیرد.

نظام علمی اگرچه بیش از هر چیز، عموم را به یاد دانشگاه می‌اندازد؛ اما موجودیتی بسیار فراتر از دانشگاه دارد و کلیه فضاها و موجود در جامعه و گفتمان‌های رایج و مرسوم را نیز، دربر می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد در طی دو دهه اخیر، در ایران سیاست‌هایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر آموزش عالی اعمال شده است که باعث گسترش نگاه کمی و تقویت رویکردهای اقتصادی و تجاری به علم و دانشگاه، گردیده است.

نظام آموزش عالی کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به دلایل متعددی از جمله: پاسخگویی به تقاضای اجتماعی، رشد جمعیت، گرایش شدید زنان برای ورود به دانشگاه‌ها، سیاست‌های دولت در فراگیر کردن نظام آموزش عالی به طور فزاینده‌ای رشد داشته است. متأسفانه، کیفیت نظام آموزش عالی در طول سال‌های گذشته هم‌پای گسترش کمی آن ارتقا پیدا نکرده است و تجاری‌سازی علم دال بر جهت‌گیری نسبت به علم، دانش و دانشجو به‌عنوان مشتری، پاسخگویی بیشتر به ذی‌نفعان، و افزایش درآمد دانشگاه‌ها و بازاریابی فعال از طریق ثبت نام دانشجویان به هر قیمتی شده است. از طرف دیگر، بازاری شدن آموزش عالی می‌تواند یکی از عمده‌ترین دغدغه‌ها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن باشد و موجب تحریف مأموریت و تزلزل دانشگاه‌ها در حقیقت جویی و گسترش مرزهای دانش شود.

اینکه پیشرفت علمی کشور، دانشگاه‌ها یا اساتید، صرفاً با تعداد مقالات سنجیده شود، از جمله مشکلاتی به شمار می‌آید که حاصل نگاه کمی و غیرکیفی به علم بوده و پیامدهای منفی زیادی را به بار آورده است. همچنین، گسترش دانشگاه‌های پولی غیردولتی، دوره‌های شبانه و... نیز، حاصل شکل‌گیری رویکرد تجاری به علم و به عبارت دیگر، تجاری‌سازی آن بوده که خود، از عوامل کاهش کیفیت آموزش است.

همه دانشگاهیان اعم از: مسئولان، اساتید و دانشجویان، شاهد بحرانی هستند که در سال‌های اخیر در نظام آموزش عالی کشور به وجود آمده است. این نظام آموزشی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، از کارآمدی چندانی برخوردار نبوده و طی یک دهه گذشته نیز به لحاظ کیفیت، افت بسیار شدیدی داشته است. در مقابل؛ شاهد افزایش تعداد و انواع دانشگاه‌ها و به تبع آن، خیل عظیم دانشجویان در مقاطع مختلف حتی تحصیلات تکمیلی بوده‌ایم و این مسئله، نشان‌دهنده اهمیت پرداختن به این موضوع است.

بعد دیگر به تحلیل گفتمان انتقادی استعاره با رویکرد شناختی پیکره‌ای مرتبط است که با زبان‌شناسی شناختی، ارتباط دارد. اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف آمریکایی زلیگ هریس^۱ به کار رفته است. (شیفرین^۲، ۱۹۹۴، ص ۲۰). هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داده و اصطلاح تحلیل گفتمان را برای تحلیل متن و بالاتر از سطح جمله، به کار برده است. از دید هریس تحلیل گفتمان یعنی ادامه رویکرد زبان‌شناسی توصیفی اما در حدی فراتر از جمله.

گفتمان‌ها، نظام‌های خودبنیادی هستند که برای دستیابی به قدرت؛ زبان و همه پدیده‌های دیگر را در سیطره خود می‌گیرند. به این ترتیب می‌توان گفت

که گفتمان، نظامی است که از زبان، بزرگ‌تر بوده و چگونگی آن را تعیین می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۲۵). از این رو، می‌توان گفت تحلیل انتقادی استعاره، توانمندسازی هدف‌دار تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه استعاره مفهومی بوده و تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از گرایش‌های عمده در تحلیل گفتمان به حساب می‌آید که در آن، تحلیل‌گر از بررسی متن، فراتر رفته؛ از یک سو به روابط درون متن و از سوی دیگر به بافت‌های موقعیتی^۱، اجتماعی، سیاسی و... در آن می‌پردازد.

تحلیل انتقادی گفتمان، یکی از حوزه‌هایی است که چارتریس بلک در بُعد تبیینی رویکرد خود، از آن بهره می‌برد. رویکرد وی همچون تحلیل انتقادی گفتمان با اتخاذ موضعی انتقادی، در پی برملا ساختن نیات پنهان و ایجاد آگاهی درباره نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های پنهان در پس کاربرد استعاره‌هاست و از این طریق، دیدگاه معناشناسی شناختی را تکمیل کرده و به الگویی گفتمانی برای استعاره، می‌رسد. رویکرد چارتریس بلک، از دستاوردهای نظریات شناختی است که برای پر کردن خلأهای موجود در مطالعات تحلیل انتقادی گفتمان در زمینه ساختارهای مفهومی موجود در پس گفتمان و نیز ویژگی‌هایی جهانی استعاره، بهره می‌برد (مالج^۲، ۲۰۰۷).

به طور خلاصه می‌توان گفت چارتریس بلک باتکیه بر ماهیت مفهومی استعاره و اتخاذ منطقی انتقادی، به کارگیری ترکیبی از روش‌ها و ابزارهای تحلیل‌های شناختی، کاربردشناختی، گفتمانی، پیکره‌ای و حتی بلاغی را در مطالعه استعاره پیشنهاد می‌کند تا هم جای خالی تبیین چرایی گزینش استعاره‌ها، اهداف کاربردی آن‌ها و توجه به بافت را در تحلیل‌های شناختی و هم جای خالی توجه به استعاره و تبیین‌های مفهومی آن را در مطالعات

1. Situational context
2. Maalej

گفتمانی پر کرده و از سوی دیگر، فضایی را برای تعامل مفاهیم ذهنی، گفتمان و بافت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی که هر دو در آن واقع شده‌اند، به وجود آورد.

به گفته فاولر^۱ (۲۰۰۰)، تحلیل در زبان‌شناسی انتقادی می‌تواند با استفاده از ابزارهای زبانی مناسب و ارجاع به بافت تاریخی و اجتماعی مرتبط، ایدئولوژی پنهان در بافت‌های عادی شده را جهت ارزیابی و بازبینی، آشکار سازد. در علوم اجتماعی و انسانی، «انتقادی» اغلب برای اشاره به دیدگاه‌های نظری و روش‌هایی استفاده می‌شود که هدفشان تغییر نظم اجتماعی و سیاسی موجود، است (چارتریس بلک، ۲۰۰۴، ص ۲۸-۲۹). بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی به افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی ما کمک می‌کند تا با استفاده از ابزارهای زبانی مناسب، به تغییر یا اصلاح بپردازیم.

چارتریس بلک (۲۰۰۴) معتقد است که در تحلیل گفتمان سنتی، الزاماً انگیزه کاربران زبان بررسی نشده، خنثی در نظر گرفته می‌شود؛ اما در تحلیل گفتمان انتقادی، در پس هر کنش گفتمانی، هدف آگاهانه‌ای وجود دارد که موقعیت‌های اجتماعی مرتبط با تولیدکننده و دریافت‌کننده متن را انعکاس می‌دهد. به بیانی دیگر، اگر تحلیل گفتمان را سطح توصیف بدانیم؛ تحلیل گفتمان انتقادی، آن را به سطح تفسیر و تبیین می‌رساند؛ درعین حال، از آنجاکه هیچ متنی خنثی نیست، می‌توان گفت که جهت دار و هدفمند است. بنابراین با کمک تحلیل گفتمان انتقادی، می‌توان به انگیزه‌ها و اندیشه‌های پنهان در پس متن دست یافت.

از آنجاکه در زبان‌شناسی پیکره‌ای، ارزش شهود بر اساس شواهد و مستندات زبانی انجام شده، داده‌ها و شهود مستقل و همچنین میزان حضور ویژگی‌های

1. Fowler R

زبانی در پیکره، تغییر می‌کند؛ یکی از دستاوردهای معناشناسی پیکره‌ای، این است که واژه‌ها و عبارات‌ها، معانی و ارزش‌گذاری‌های بیشتری را نسبت به آنچه که در فرهنگ‌های لغت آمده است، با خود به همراه دارند (چارتریس بلک، ۲۰۰۴، ص ۳۱).

از این رو، به نظر می‌رسد که با تحلیل کاربردشناختی پیکره‌ای زبان، بتوان به ارزش‌گذاری مثبت و منفی داده‌ها دست یافت. لذا این کتاب بر آن است تا در چارچوب نظریه استعاره لیکاف (۱۹۹۸) و جانسون، همچنین به کمک روش سه‌مرحله‌ای تحلیل انتقادی استعاره در رویکرد جاناتان چارتریس بلک (۲۰۰۴)، ضمن بررسی داده‌های پیکره‌ای مشتمل بر گفتار آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی به‌عنوان سه رئیس‌جمهور ایران در طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۷۶، به این پرسش پاسخ دهد که هر یک از این سه تن، چه نگاهی به «علم» داشته‌اند و چگونه آن را با کمک استعاره‌ها، مفهوم‌سازی نموده‌اند.

نظام مفهومی ما در هر دو سطح اندیشه و رفتار، به طور ذاتی و اساسی، استعاری است. این نظام، نقش اساسی در تعریف و درک ما از واقعیات روزمره دارد؛ بنابراین اگر نظام مفهومی ما به طور گسترده استعاری است، روش اندیشیدن ما، تجربیات و اعمال روزانه زندگی‌مان نیز، موضوعاتی استعاری هستند. درک ما از این سیستم، به‌گونه‌ای نیست که به طور طبیعی از آن آگاه باشیم، اما شکل‌گیری ارتباط مفهومی در ذهن انسان، تصادفی نیست؛ بلکه هماهنگ با جهان خارج از ذهن بوده و با تجربه عینی ما در جهان، توقیف و حبس می‌شود (گیبز و لیما، ۲۰۰۴).

استعاره به منزله یکی از ستون‌های ساختمان مفهومی در ذهن و شاید مهم‌ترین مؤلفه در نظام معنایی، نقش برجسته‌ای را در بازنمایی ایدئولوژی

به مثابه نظام معنایی مشروعیت‌ساز قدرت، ایفا می‌کند که در نتیجه، صاحبان قدرت از ظرفیت استعاره‌ها به صورت آگاهانه و ناخودآگاه برای تثبیت مشروعیت خود و سلب مشروعیت دیگری، ایجاد تغییر در نظم‌های گفتمانی، برانگیختن تداعی‌های احساسی ناخودآگاه، تأثیرگذاری بر مخاطب، متقاعدسازی منطقی و احساسی، ارزیابی از خود و دیگری، برجسته‌سازی، حاشیه‌سازی و از همه مهم‌تر، تسهیل مفهوم‌سازی واقعیت‌های انتزاعی و پیچیده سیاسی-اجتماعی و اقتصادی، همچنین پدیده‌هایی که درک آن‌ها برای عامه مردم دشوار است، استفاده می‌کنند.

از آنجایی که استعاره‌های مفهومی، در زبان نمود پیدا می‌کنند؛ مدل‌های ذهنی ما و انواع دانش نیز بر اساس استعاره‌های مفهومی شکل می‌گیرند، استعاره‌ها می‌توانند بهترین ابزار برای شناخت ایدئولوژی و باورهای جمعی بوده و ایدئولوژی‌ها نیز، ابزار بهتری برای پی بردن به استعاره‌های مفهومی بنیادین گروه‌های اجتماعی، به شمار می‌آیند. درعین حال، ایدئولوژی‌های متفاوت در جهت نهادینه کردن باورهای بنیادینشان، می‌توانند به تولید استعاره‌های متفاوتی بپردازند و از الگوهای مفهومی خاصی جهت پرورش و تولید عبارات زبانی استعاری و یا همان زبان استعاری، استفاده نمایند.

زبان استعاره در همهٔ حیطه‌های ارتباطی از جمله گفتمان سیاسی، استفاده می‌شود و از آنجاکه سیاست، یکی از مهم‌ترین بافت‌های اجتماعی است که در آن، استعاره‌ها کارکرد ایدئولوژیکشان را ایفا می‌کنند؛ احزاب سیاسی همیشه در تلاش اند تا به مخاطبان‌شان بقبولانند که روش‌ها و برنامه‌های آن‌ها، بهترین است. ایدئولوژی در اینجا برای موجه جلوه دادن آنچه آنان ادعا دارند، به کار می‌رود (نولز و موون^۱، ۲۰۰۵، ص ۷۴).

اکثر سیاستمداران و شخصیت‌های سیاسی استعاره را در راستای ملموس ساختن مفاهیم و ایدئولوژی‌های خاص برای مخاطب و عموم مردم، در کلام خود به کار می‌برند؛ بنابراین تمرکز بر استعاره‌های مفهومی مورد استفاده توسط سیاسیون می‌تواند تا حد زیادی رویکردهای غالب آنان را آشکار سازد. تجاری‌سازی و نگاه اقتصادی به علم به عنوان مسئله اصلی این پژوهش، یکی از مهم‌ترین چالش‌های آموزش در کشور ما، شناخته شده است که به اصل انتقال و فراگیری علم و دانش به‌ویژه در مقطع تحصیلات عالی و دانشگاه‌ها، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را وارد کرده است. به طور مثال، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به نیت کاهش مهاجرت جوانان به خارج از کشور برای ادامه تحصیل، به جای توجه به فرصت‌های شغلی، تهدید بزرگی است. ضعف در اجرای قوانین مالکیت فکری، همچنین بیکاری دانش‌آموختگان و در نتیجه، بحران مدرک‌گرایی که در درازمدت منجر به ناکارآمدی آموزش عالی خواهد شد. افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها، سیل مدرک‌گرایی و تقلب علمی در سال‌های اخیر، بازار آموزش عالی را پر رونق ساخته؛ شکل‌گیری سریع و ناموزون مراکز و مؤسسات دانشگاهی را در پی داشته و در عین ناباوری، با ایجاد سیاست‌گذاری‌های غلط نیز، مورد حمایت قرار گرفته است. طبیعتاً برآیند چنین روند تکانشی، در رشد بی‌رویه مراکز دانشگاهی، افت شاخص‌های کیفیت در نظام آموزش عالی کشور مؤثر بوده است.

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بر این باورند که استعاره سرتاسر زندگی روزمره را، نه فقط در عرصه زبان، بلکه در حوزه اندیشه و عمل در بر گرفته است و نظام مفهومی ما ماهیتی مبتنی بر استعاره دارد. نگارنده این کتاب با تمرکز بر استعاره مفهومی «علم»، در موقعیت‌های زمانی هماهنگ با مفهوم مورد نظر و از منظر